

سخنگوی کمیسیون تلفیق برنامه هفتم درگفت وگو با «فرهیختگان»:

لایحه بودجه ۱۴۰۳ تطابقی با اهداف برنامه توسعه هفتم ندارد



علی مزروعی خبرنگار گروه نشر روز

بسته و سعی کرده منابع را محدود کند که به تورم دامن نزند. آیا دلایل دیگری نیز وجود دارد؟

من فکر می‌کنم دولت بودجه را به گونه‌ای نوشته که بعدا دستش برای انجام تغییرات باز باشد. سال ۱۴۰۳ سال آخر دولت است و در خرداد ۱۴۰۴ انتخابات را داریم، معمولا دولت‌ها در این بودجه آخر، منابع را به گونه‌ای می‌آوردند که بعدا دست‌شان بازر باشد. من فکر می‌کنم اقتضای بودن بودجه و پایین در نظر گرفتن منابع درآمدی حاصل از نفت به این دلیل بوده است که دست دولت باز باشد. همین امر باعث شده چگونگی تحقق اهداف برنامه که رشد هشت درصدی است، مشخص نباشد. دوستان می‌گویند ما این را در جزئیات و در جداول تفصیلی می‌آوریم؛ در جدول مربوط به مالیات‌ها سهم واردات از منابع ۵۵ میلیارد دلار تعیین شده حال آنکه برآورد سال گذشته حداقل ۶۲ میلیارد بود و برآورد هاشان داده که این رقم امسال بیشتری می‌شود. آن وقت در بودجه ۵۵ میلیارد واردات در نظر می‌گیریم، و منابع ورودی را نسبت به سال گذشته کاهش می‌دهیم، من فکر می‌کنم دولت اصولا بدون توجه به برنامه هفتم، به طور طبیعی یک بودجه‌ای نوشته و در آن هم سعی کرده منابعی را قید کند و مصارفی را بیاورد که سهل الوصول باشد و دستش برای منابع اضافه‌ای که احتمالا در اختیارش خواهد بود، مقداری بازر باشد. ولی اینکه بودجه انقباضی است یا نه، باید بگویم بله. منابع به ظاهر ۱۸ درصد رشد داشته، ولی منابع واقعی درست در نظر گرفته نشده است. مثلا اگر قیمت نفت را براساس قانون و بانخ تسعیر محاسبه بکنیم، قطعاً باید افزایشی را لحاظ کنیم. در خود منابع حاصل از هذفمندی حتما افزایش داریم و در خود مالیات‌ها هم اگر احکام قانون برنامه رعایت شود، مطمئن باشید درآمد مالیاتی افزایش پیدا می‌کند. اما چیزی که دولت آورده این است که یک واحد درصدی به ارزش افزوده اضافه کرده و این نگرانی را ایجاد می‌کند که افزایش منابع حاصل از افزایش فشار به مودیان باشد.

دولت برخی طرح‌های مالیاتی که در دوره قبل مصوب کرده بود مثل مالیات بر خانه‌های خالی را نتوانسته کامل اجرا کند. آیا رئیس سازمان برنامه و بودجه در مورد چگونگی افزایش درآمدهای مالیاتی بدون اعمال فشار به مودیان فعلی توضیحی ارائه داده است؟

دولت در توضیحی که امروز در دفاع آخر داد، اصرارش بر این بود که ما از محل اجرای قوانین در پایانه‌های فروشگاهی یا خانه‌های خالی و مواردی از این قبیل، می‌خواهیم مالیات را تأمین کنیم. حال این یا چیزی که در ظاهر و براساس احکام و جداول ارائه شده، متفاوت است. دولت، حداقل حقوق مستحق مالیات را روی ۱۰ میلیون بسته بود وقتی فقط خرف رایگم اعلام می‌کنیم، به طبع تعیین مالیات در شهرهای بزرگی مثل تهران، برای حقوق ۱۰ میلیون که بعدا ۱۲ تومان شد، محل ایراد است. در مورد یک واحد درصدی که قرار است به مالیات ارزش افزوده اضافه شود هم سه بار در صحن اعلام شد و رد شد. آمده بود که حدود ۸۰ هزار میلیارد تا ۹۰ هزار میلیارد از جمع مالیات منابع جدید ایجاد می‌کند. ضمن اینکه دولت در این دوسال در حوزه مالیات و افزودن مودیان جدید، رشد خوبی داشته است. دو میلیون مودی سال ۹۹ امروز به بیش از چهار میلیون رسیده است. دیگر ما چقدر می‌خواهیم مودی مالی جدید تعریف کنیم؟ این نگرانی واقعا وجود دارد و واقعت جامعه نیز چیزی غیر از این است که دولت محترم می‌گوید. بالاخره ما تک بازار هستیم. الان هر تراکشی که در حساب‌های بانکی انجام می‌شود به عنوان منبع و ماخذ مالیاتی محاسبه می‌شود و برای آن مالیات می‌رود و مردم باید در این راهروهای مالیاتی بیرون آفتاب کنند که این فرض من بوده یا فروش خانه من اتفاق افتاده است و مسائل متعدد زیادی برای اصناف ما ایجاد شده است. لذا این نگرانی‌ها باعث شد نمایندگان به بودجه رای ندهند، ضمن اینکه من معتقدم دولت‌ها متاسفانه بیشتر مدیریت مصرف می‌کنند، مدیریت درآمد نمی‌کنند، به این معنا به دنبال این نیستند که ما منابع و درآمد جدید خلق کنیم، مثلا انتظار ما این است که دولت در بحث درآمدها بگوید براساس برنامه هفتم، من این برنامه‌ها را در حوزه گردشگری دارم و می‌خواهم این مقدار منابع درآمادی برای خود ایجاد کنم، یا در حوزه واگذاری مخازن یا صنایع بالادستی من می‌خواهم این کار را انجام دهم. هیچ اتفاقی در حوزه منابع نمی‌افتد، یعنی دولت هیچ ربحتی به خودش نمی‌دهد و این نگرانی را بین مردم و نمایندگان تشدید می‌کند که در نهایت، فشارش روی مردم و طبقات مختلف اجتماعی است.

اینکه شما فرمودید دولت می‌خواهد دستش برای خرج کردن باز باشد، به معنی دورزدن مجلس نخواهد بود؟ اگر قرار است این گونه مخارج مدیریت شود چه نیازی به ارائه برنامه است؟

من اسم این را دورزدن نمی‌گذارم، ما گاهی اوقات دچار افراط و تفریط می‌شویم، برای مثال گاهی منابع و مصارف را غیرواقعی خصوصا سمت منابع می‌بینیم، باعث می‌شود که هزینه‌های غیرعوارفی هم ببینیم اما گاهی شما تالشی نمی‌کنید که منابع افزایش پیدا کند یا این منابع را در بودجه نمی‌آورید، این باعث می‌شود که شما بعدا در بودجه با افزایش تحقق منابع مواجه شوید. یعنی دولت یک بودجه‌ای را می‌بندد که در نیمه یا اواخر سال، تحقق منابعش بیشتر می‌شود، حالا به طور خاص در حوزه نفت عرض می‌کنم. اینجا دیگر دست دولت باز است و قانون این اختیار را می‌دهد که به عنوان مثال در حوزه منابع مالیاتی از

قوه قضائیه به ماجرای شرکت «ک.ک» ورود کرده است گزارش یک تخلف در بازار موبایل

زینب مزروعی خبرنگار گروه نشر روز

«خانم خودت می‌خوای پول گوشی رو بدی؟ کار می‌کنی دیگه؟ پولت حلاله، آره؟» در پاسخ به تمام این سوالات سرم را تکان می‌دهم و می‌پرسم: «گفتی شعبه ک.ک کنجای پاساز است؟» ماجرا از رشته توییت یک کاربر در توئیتر آغاز شد. فردی در اکانت توئیتری خود نوشته بود که از طریق شرکتی به نام «ک.ک» با دریافت ۲۶ میلیون تومان آیفون ۱۳ را پیش فروش کرده و حالا با وجود گذشت سه ماه اما هنوز خبری از دستگاه موبایل پیش فروش شده نیست. هر بار هم که افراد پیگیری می‌کردند، مسئولان شرکت باز هم از خریدار وقت می‌خریدند و در نهایت به او وعده یک روز دیگر را می‌دادند یا شماره تماس خریدار در بلک لیست شرکت قرار می‌گرفت. این شرکت از طریق تبلیغات گسترده در صفحه اینستاگرام، اعتماد مردم را جلب کرده بود. در صفحه اینستاگرام شرکت چهره‌های مختلفی از بازیگر و ورزشکار گرفته تا خواننده؛ برای شرکت تبلیغ کرده بودند. بلاگرهای ایرانی خارج‌نشین هم از طریق استوری‌هایشان برای این شرکت تبلیغ گرفته بودند. در خبرهای غیررسمی خبر پلمب شعبه چارسو این شرکت پس از بلک فرایدی منتشر شده بود. در چارسو و میان مغازه‌داران این شایعه پخش شده بود که شعبه چارسوی این شرکت به دلیل عدم رعایت حجاب اسلامی پلمب شده اما به قول فروشندگان؛ اگر دلیل عدم رعایت شئونات بود که باید کل پاساز پلمب می‌شد، نه فقط یک مغازه. برای صحت سنجی و پیگیری ماجرا در ابتدا به سراغ شعبه چارسو می‌روم. چندباری طبقه همکف و اول پاساز را بالا و پایین می‌کنم اما خبری از نام و نشان این شرکت نبود. تا اینکه مجبور می‌شوم از سایر مغازه‌داران آدرس شرکت را بپرسم. یکی‌شان میان آدرس پرسیدم بود که وسط حرفم می‌پرد و می‌گوید: «خاتم خودت می‌خوای پول گوشی رو بدی؟ کار می‌کنی دیگه؟ پولت حلاله، آره؟ آنچه ببین آیفون رهنده‌ی داره حتی آیفون بازشده‌ای که از امارات قاره بیاد هم این قیمت نیست. حالا آنگه کسی بگه ۸۰ میلیون بده تا سه ماه بعد برایش سفرد کیلومتر واسه توست، تو اعتماد داری که پولت رو پیش بسپری؟» در پاسخ به تمام این سوال‌ها و حرف‌هایش فقط سرم را تکان می‌دهم و می‌پرسم: «گفتی شعبه ک.ک کنجای پاساز است؟»

چند نفری را روبه‌روی شعبه چارسوی شرکت می‌بینم که با دست به سمت مغازه اشاره می‌کنند و می‌گویند که نام شرکت را از بالای مغازه برداشته‌اند. پشت سرم را که نگاه می‌کنم، مغازه کوچکی را می‌بینم که هیچ نام و نشانی بالای در آن نیست. وارد می‌شوم و می‌گویم که قصد ثبت نام و پیش‌فروش گوشی دارم. خانمی که پشت سیستم است پاسخ می‌دهد که باید به سراغ شعبه اصلی در صادقیه بروی. همین کار را هم می‌کنم و به آدرسی که در صفحات مجازی‌شان به عنوان شعبه اصلی شرکت نوشته شده بود، مراجعه می‌کنم. عنوان شرکت روی یک ساختمان چندطبقه درج شده است. چند نفری هم روبه‌روی ساختمان ایستاده و مشغول گفت‌وگو هستند. فردی زد می‌شود و می‌پرسد: «نذری می‌دهند؟» همه با هم بلند جواب می‌دهند که شرکت است و گوشی موبایلی می‌فروشد. توی پارکینگ صندلی چیده‌اند و تقریبا ازدحام جمعیت شکل گرفته است. در ابتدای راه‌پله هم مامور قضایی و دو نفری از کارمندان شرکت ایستاده‌اند. هر چند دقیقه یک‌بار هم فامیلی یکی از حاضران را صدا می‌زنند و از او می‌خواهند که با فیش پرداختی‌اش بالا برود. از یکی از حاضران که موضوع را جویا می‌شوم می‌گوید که مردم به پلیس مراجعه کرده‌اند و حالا ضابطان قضایی دیگر اجازه ثبت نام جدید به شرکت نمی‌دهند. دو روزی هم می‌شود که برای تحویل گوشی‌ها به مردم، مامور قضایی حضور پیدا می‌کند. یکی از کارمندان چندباری فامیلی یکی از خریداران را صدا می‌زند. مردم اعتراض می‌کنند و در پاسخ به آن‌ها اعلام می‌کنند که امروز فقط ثبت‌نامی‌های شهرپورماه را تحویل خریداران می‌دهند. دوباره صدای اعتراض مردم بالا می‌رود. چند نفری پشت سرم درحال گفت‌وگو هستند و می‌گویند تا مامور قضایی و پلیس حضور پیدا نکرد، به مردم گوشی تحویل ندادند. کارمندان سعی می‌کنند که جمعیت را متفرق کنند. روبه‌روی در ورودی پارکینگ باز هم گروهی دیگر درحال گفت‌وگو هستند. یکی از خانم‌های آن جمع می‌گوید از آنجایی که سلامت باتری گوشی‌هایشان کم شده بود، خانوادگی گوشی‌هایشان را می‌فروشند و ۱۷۰ میلیون تومان از این شرکت، گوشی پیش خرید می‌کنند. یکی دیگر از خانم‌ها هم می‌گوید سعی داشته تا با پولی که در دست دارد سرمایه‌گذاری کند تا پولش هدر نزود. اما باز هم با مشقت گوشی را تحویل می‌گیرد. آن‌گونه که شرح می‌داد، ظاهرا پیش از سروصداهایی که در فضای مجازی شکل گرفته؛ برای تحویل گوشی‌اش به دفتر مرکزی مراجعه می‌کند و با تهدید آمدن پلیس توانسته بود گوشی را تحویل بگیرد. شب گذشته هم از طریق استوری تبلیغ دنیا جهانبخت متوجه می‌شود که جدیدا آیفون ۱۳ را ۲۰ میلیون پیش‌فروش می‌کنند و امروز آمده بود که برای بار دوم یک آیفون ۱۳ دیگر پیش‌فروش کند اما متوجه می‌شود که شرکت تا زمان تحویل تمام گوشی‌های پیش‌فروش شده، اجازه پیش‌فروش هیچ گوشی دیگری را ندارد. چند دقیقه‌ای را دم در ورودی می‌ایستم و به دست‌های افرادی که از ساختمان خارج می‌شوند، دقت می‌کنم. چند نفری از میان جمعیت با گوشی از ساختمان خارج می‌شوند و آن‌گونه که می‌گویند ظاهرا شهرپورماه گوشی‌ها را پیش‌فروش کرده‌اند. با وجود مشاهدات میدانی اما «فرهیختگان» همچنان از تمام ابعاد ماجرای شرکت «ک.ک» باخبر نیست و آنچه امیدوارکننده بود، ورود سریع دستگاه قضا به مساله نامعلوم این ماجرا بود.

فرهیختگان

روز

پنجشنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۲



شماره ۴۰۳۳



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

۷

باین تفسیری که فرمودید این برداشت ایجاد می‌شود که دولت بودجه را انقباضی